



طغیان جدید کرونا

گزارش پریسا هاشمی
در باره شیوع دوباره ابتلا به کووید-۱۹



بورسی شدن غول PVC

گزارش صنعت ۱۰-۱۱
در باره پتروشیمی اروند: بر مجموعه هلدینگ خلیج فارس که آماده عرضه اولیه است



ریاکاران، پنهان پشت نقاب

گزارش نرگس کیانی
از نمایش شب نشینی یا مولیر



يك جریان اقتصادی خاموش

گزارش پژوهشی درباره روی دیگر زندگی مهاجران افغانستانی در ایران

گزارش تاریخ ۳۰۵

صدسالگی حوزه و رابطه دولت-ملت و روحانیت

سرمقاله

دستاوردهای نامتوازن

گرچه ۱۰۳ سال از تاسیس حوزه علمیه قم می‌گذرد؛ ولی شاید به دلایل روشنی از جمله حوادث سال ۱۴۰۱ برگزاری مراسم برای صدمین سال تاسیس این نهاد در آن سال، ممکن یا مناسب نبوده است؛ لذا به جای آن امسال این مراسم برگزار شده است. هنگامی که انقلاب شد یکی از شعارهایی که رواج یافت، وحدت حوزه و دانشگاه بود. درباره معنای این وحدت توافق چندانی وجود نداشت؛ ولی این شعار نشان دهنده واقعیت جدا بودن این دو نهاد از یکدیگر بود؛ واقعیتی که در جوامع غربی به این شدت شاهد آن نبودیم و ریشه دانشگاه‌های مهم غرب، در مراکز علمی وابسته به کلیسا یا همان حوزه‌های علمیه مسیحیت بود. در ایران و علی‌رغم تقدم تاسیس حوزه بر دانشگاه، هیچگاه حوزه نتوانست یا نخواست که پیشگام در آموزش دانش‌هایی جز فقه باشد؛ حتی از فلسفه نیز پرهیز می‌کردند و چه‌بسا با استادان فلسفه در حوزه مخالفت جدی داشتند. جالب اینکه مجتهدین مسلم که به تعبیری می‌توانستند حقوق‌دانان برجسته‌ای هم باشند، نتوانستند حتی علم و دانش جدید حقوق را در حوزه‌ها تدریس کنند و دچار نوعی از رکود و انجماد در نظام آموزشی بودند. این تصور در ابتدای انقلاب وجود نداشت و به همین دلیل هم پس از انقلاب تعدادی از دانشجویان و با فارغ‌التحصیلان و حتی استادان دانشگاه وارد حوزه شدند؛ ولی خیلی زود از راه رفته پشیمان شدند و برگشتند و به جایش روحانیون عازم دانشگاه شدند و حتی سعی کردند که در قم دانشگاه تاسیس کنند و مدرک دانشگاهی بدهند و اغلب هم عنوان دانشگاهی برای خود انتخاب کردند. به عبارت دیگر، این دانشگاه نبود که حوزوی شد بلکه این حوزه بود که سعی کرد خود را به صورت دانشگاه درآورد. و این رانمی‌توان نشانه موفقیت آن دانست؛ چون به اندازه کافی دانش‌آموختگان دانشگاه داریم و کم هم نداریم. مشکل ما این است که حوزه فاقد آموزش به‌روز و کارآمدی است که بتواند مطابق ادعایش پاسخگوی نیازهای مردم و حکومت و حل مسائل کشور باشد. بیایم نگاهی منصفانه به دستاوردهای آن در نیم‌قرن اخیر بیندازیم. بزرگترین خروجی حوزه در تدوین قانون اساسی است که طبعاً ربطی به پس از انقلاب ندارد. واقعیت این است که روحانیت پیش از انقلاب در میان مردم بود و ادعای حل مسائل جامعه را داشت. ولی پس از انقلاب و در عمل معلوم شد که شناخت کافی از واقعیت‌های مبانی علمی حکومت‌داری و الزامات حکمرانی وجود ندارد. مسئله اصلی ترس آنان از علم جدید بود. علم جدید چیزی جز روش علمی متفاوت از قدیم نبود. یکی از دلایلی که اغلب تحصیل‌کردگان حوزه و دانشگاه اعتبار و عنوان دانشگاهی را ترجیح می‌دهند، توجه آنها به اعتبار روش و اهمیت منطق علمی است که در دانشگاه‌ها غالب است. در اروپا طبابت و حقوق و فلسفه ارتباط نزدیکی با آموزه‌های الهیاتی داشتند و در نهایت نیز پزشکی و حقوق مدرن از دل آن بیرون آمدند و فلسفه هم همواره مرتبط با کلیسا و علمای مسیحیت بود؛ ولی در ایران نوعی عقب‌گرد در این زمینه‌ها را می‌بینیم. ← ۵

توصیف طرفین درباره مذاکرات دیروز ایران: جدی‌تر و صریح‌تر آمریکا: جزئی‌تر و دقیق‌تر

در آئین امضای کتاب در نمایشگاه همزمان با دور چهارم مذاکرات در عمان

ظریف: توافق نشود آمریکا مقصر است

دشواری مذاکرات و نیاز به ابتکارات تازه یادداشتی از احمد زیدآبادی

بازگشت به خانه اول؟

ارزیابی مهدی ذاکریان و حیدرعلی مسعودی از جدی‌ترین اختلاف تهران- واشنگتن

گزارش دیپلماسی ۲۰۳۰-۲۰۷

عکس: علیرضا رمضانی / چهاران